

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

کلام شیخ انصاری را در جلسه گذشته بیان کردیم. یکی از شخصیت هایی که کلمات شیخ انصاری را خیلی زیبا و منظم (نمی گویم صحیح الزاماً) نقد کرده است مرحوم آقای خوئی است. ایشان نسبت به ادله ای که مرحوم شیخ در مسئله بیان کرد اشکالاتی را مطرح می کند.

اشکالات مرحوم خوئی

ایشان نسبت به اولین دلیل جناب شیخ یعنی کریمه «لا تعاونوا علی الإثم و العداوان» 5 اشکال ایراد می کند:

اشکال اول: ایشان می فرماید: ما کبرای شما را قبول نداریم. شیخ انصاری فرمود: معامله به قصد استفاده حرام، مصداق اعانت بر اثم است و هر چه اعانت بر اثم باشد حرام و باطل است؛ پس معامله به قصد استفاده حرام، باطل و حرام است. آقای خوئی اعانت بر اثم را حرام نمی داند؛ بلکه تعاون بر اثم را حرام می داند و میدانید که تعاون با اعانت فرق دارد. تعاون یعنی ورود به عمل و همکاری؛ ولی اعانت به معنای یاری کردن است. بلکه اگر جایی دلیل خاص بر حرمت اعانت داشتیم ایشان قبول می کند، مثل همکاری با جائز که لازم نیست به شکل تعاون باشد؛ بلکه اگر به نحو اعانت نیز باشد، حرام است.

اشکال دوم: مناقشه در صغرای استدلال است. ایشان می فرماید: از کجا معلوم که چنین معامله ای، اعانت بر اثم باشد؛ چون بین معامله (یعنی صرف بستن قرارداد) و اعانت عام و خاص من وجه است به این بیان که بعضی اوقات معامله هست ولی اعانت نیست؛ مثل موردی که دو طرف معامله کنند ولی بایع جنس را تحویل مشتری ندهد. پس هر معامله ای اعانت بر اثم نیست؛ چنانکه هر اعانتی نیز به شکل معامله نیست. بلکه اگر معامله کنند و جنس، تحویل مشتری داده شود، این مصداق اعانت خواهد بود؛ البته می دانید که تحویل دادن جنس، جزء معامله نیست؛ بلکه واجبی است بعد از معامله.

اشکال سوم: آیه دال بر حرمت هست؛ ولی معلوم نیست دال بر بطلان نیز باشد. نهایتاً معامله به قصد استفاده حرام، حرمت داشته باشد. و از طرفی میدانید که بین حکم تکلیفی و وضعی تلازم نیست. به عبارت دیگر حرمت مساوق با بطلان نیست.